

تأثیر داده‌های رجالی ابن‌ولید بر الرجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی^۱

اعظم فرجامی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۸

چکیده

یکی از راه‌های شناخت نزدیک تاریخ و سرگذشت حدیث، توجه و بررسی دقیق محدثان و شخصیت‌های کلیدی در نشر حدیث است. سده چهارم و پنجم قمری به سبب دسته‌بندی و شکل‌گیری جوامع حدیث شیعه و نیز تثبیت موقعیت و ساختار اعتقادات امامیه، دوران برجسته‌ای است. ابن‌ولید قمی یکی از این محدثان سده چهارم است که با واسطه و بی‌واسطه، تأثیر زیادی بر رجالیان و محدثان بغداد داشته است. نجاشی و شیخ طوسی صدها کتاب از اصول اصحاب ائمه را با طریق و الگوی ثابت ابن‌ابی‌جید از ابن‌ولید از صفار دریافت کردند. شیخ طوسی تعداد کتب بیشتری از طرق ابن‌ولید استفاده می‌کند و در این بین، گاه، با واسطه، از شیخ صدوق یا پسر ابن‌ولید اسناد را بازگو می‌کند. ارزیابی‌های رجالی ابن‌ولید - که بیشتر تضعیفات او نسبت به برخی راویان مانند محمد بن موسی همدانی یا کتاب‌های آن‌ها صورت گرفته - نیز نقل شده است. شیخ طوسی معمولاً این تضعیفات را بدون جرح و تعدیل پذیرفته یا گزارش کرده است؛ اما نجاشی آن‌ها گاه رد می‌کند و گاه با دید شک می‌نگرد. از مقایسه سخنان نجاشی و ابن‌غضایری برمی‌آید که نجاشی در انتقاد از ابن‌ولید تحت تأثیر آرای استاد مستقیم خود ابن‌غضایری بوده است.

کلیدواژه‌ها: ابن‌ولید قمی، تاریخ حدیث شیعه، طرق و اسناد کتاب‌های شیعه، رجال‌شناسی.

۱. این مقاله حاصل طرح مشترک پژوهشی با مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث است.

۲. استادیار گروه الهیات، عضو هیات علمی دانشگاه رازی.

۱. بیان مسأله

ابن ولید قمی از شخصیت‌های برجسته حدیث، فقه و رجال سده چهارم شهرقم است. با آن که حضور وی در شهرهای دیگری جز قم ثبت نشده، طرق کتاب‌ها و اسناد احادیث وی در سده پنجم در شهرهای بغداد و کوفه نقل و دست به دست می‌شد. مهم‌ترین و تأثیرپذیرترین شاگرد ابن ولید شیخ صدوق است که در پراکندن و انتشار نقلیات استادش نقش بسزایی داشته است. با این همه بررسی‌های اولیه‌ای که شرح آن خواهد آمد، نشان داد شیخ صدوق عامل اصلی راهیابی دیدگاه‌های کتاب‌شناسی و رجالی ابن ولید بر دو کتاب مهم شیعه، الرجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی نیست.

اگر ابن ولید را از شاخص‌ترین اساتید مکتب رجال قم و نجاشی و شیخ طوسی را از بارزترین چهره‌های اساتید رجال بغداد بدانیم، در پی این هستیم تا میزان و چگونگی تأثیرگذاری مکتب رجال قم را بر مکتب رجال بغداد - که ماندگار شده - دریابیم. اکنون می‌کوشیم برای چندین پرسش پاسخ‌هایی بیابیم. نخست، آن که داده‌های رجالی ابن ولید، اعم از طرق وی برای انتقال مصنفات شیعه و نیز اطلاعات و ارزیابی‌های رجالی او، چگونه، از چه مجراهایی و با چه الگوی روایی، وارد کتاب الرجال نجاشی و الفهرست طوسی شده‌اند؟ به صورت خاص، ارزیابی‌های گاه سخت‌گیرانه و حساسیت برانگیز ابن ولید بر کدام رجالی بیشترین تأثیر را گذاشته و چه تضعیف و توثیقی را از وی پذیرفته یا رد کردند؟

۲. پیشینه

به صورت خاص درباره تأثیرگذاری آرا و اطلاعات رجالی ابن ولید بر الرجال نجاشی و الفهرست طوسی پژوهشی انجام نشده است. با این وجود، دو مقاله درباره ابن ولید به عرصه نشر رسیده است. شاکر و حسینی در مقاله «ابن ولید و مستثنیات وی» کوشیدند رأی جنجالی ابن ولید درباره استثنا کردن ۲۴ راوی از کتاب نوادر الحکمه محمد بن احمد بن یحیی را به تأویل برده و آن را فقط هشدار و احتیاط تلقی کنند. اصل ادعای نویسندگان خدشه‌پذیر است؛ زیرا مفهوم هشدار و احتیاط درباره یک راوی نامفهوم است و در علم رجال و حدیث، اصطلاحی به نام احتیاط و هشدار نداریم. اگر منظور وانهادن و ترک روایات این راوی است که آن را «متروک الحدیث» می‌خوانند، معمولاً به بدترین نوع تضعیف راوی، یعنی کذب بازگشت دارد.

در پژوهشی دیگر ستار و خاتمی «بررسی و مقایسه میزان تأثیرگذاری ابن بابویه و ابن ولید بر شیخ صدوق» را بررسی کردند. در این پژوهش تأثیر پدر و استاد بر شیخ صدوق بررسی می‌شود. با این همه، در این مقاله نیز دامنه محدود به واکنش‌های شیخ صدوق در مقابل آرای فقهی و گاه رجالی پدرش و ابن ولید است. در پژوهش حاضر، ما برآنیم که تأثیرگذاری ابن ولید را به صورت مصداقی و آماری در مهم‌ترین متون رجالی متقدم شیعه، بررسی کنیم.

۳. شخصیت‌شناسی ابوجعفر محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی (م ۳۴۳ق)

ابن ولید استاد، فقیه، متقدم و چهره برجسته مکتب حدیث قم است و ابن غضایری، نجاشی و شیخ طوسی با الفاظی مؤکد او را ستوده و توثیق کردند:

ثقة ثقة، عین، مسکون إليه، جلیل القدر، موثق به.^۱

شیخ طوسی به دو علم و تخصصی که ابن ولید صاحب آن بوده، اشاره می‌کند؛ یعنی «علم رجال» و «فقه»: «عارف بالرجال و بصیر بالفقه».^۲ با آن که افکار و دیدگاه‌های حدیثی و رجالی ابن ولید به محدثان قمی شبیه است و او را از شیوخ قم برشمردند، نجاشی معتقد است ابن ولید ساکن و نزیل قم شد، اما در اصل از اهالی قم نیست.^۳ درباره زادگاه، سال تولد و نحوه علم‌آموزی وی مطلبی گفته نشده است و تنها ضمن معرفی یک راوی حجله‌فروش، او را شریک تجاری ابن ولید معرفی می‌کنند.^۴

۳-۱. جایگاه ابن ولید در کتاب‌های حدیثی

در کتاب‌های حدیثی سده چهارم و پنجم شیعه، برخی نویسندگان مستقیم و برخی با واسطه از ابن ولید حدیث نقل کردند. ابن قولویه قریب چهل بار در کامل الزیارات^۵ و شیخ صدوق در هر کتابش^۶ صدها بار از ابن ولید نقل روایت کردند. شیخ مفید با واسطه حسن بن

۱. رجال ابن الغضائری، ص ۱۱۷؛ رجال النجاشی، ص ۳۸۳؛ فهرست الطوسی، ص ۲۳۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹.

۲. فهرست الطوسی، ص ۲۳۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۸۳.

۴. همان، ص ۴۹.

۵. کامل الزیارات، ص ۴۲، ۴۴، ۵۸، ۷۴...

۶. برای نمونه رک: الامالی (صدوق)، ص ۶۰، ۶۴، ۹۰...؛ التوحید، ص ۱۸، ۱۹، ۲۱...؛ الخصال، ص ۱۶۰...

حمزه علوی یا پسر ابن ولید^۱ یا شیخ صدوق^۲ یا ابن قولویه^۳ و شیخ طوسی بیشتر با واسطه ابن ابی جید^۴ و گاه با واسطه از پسر ابن ولید از ابن ولید^۵ روایت نقل کرده است. به نظر می‌رسد طریقی که رجالیان سده پنجم برای کتاب‌های اصحاب ائمه از ابن ولید نقل کردند، برای احادیث منقول از ابن ولید نیز رایج بوده است و از همان واسطه‌ها در احادیث بهره بردند.

۳-۲. ابن ولید در رجال النجاشی و فهرست الطوسی

این دو رجال‌شناس سده پنجم، در کتاب‌های رجالی خود بارها از طرق و ارزیابی‌های رجالی ابن ولید قمی یاد کردند. با وجود آن‌که آن دو رجالی، تنها از دو کتاب ابن ولید یاد می‌کنند، از قرینه عبارات برمی‌آید که ابن ولید چندین کتاب داشته است: «له کتب منها: کتاب تفسیر القرآن، و کتاب الجامع» و «له کتب جماعة، منها کتاب الجامع، و کتاب التفسیر، و غیر ذلک»^۶.

بر اساس کاربرد و استفاده فراوان نجاشی و طوسی از طرق و اسناد و اطلاعات رجالی ابن ولید، باید گفت قطعاً وی صاحب کتابی درباره فهرس اصول و طرق اصحاب ائمه و داوری‌های رجالی درباره آن‌ها بوده است.

از اطلاعاتی که آن دو رجالی آوردند، چنین به دست می‌آید که ابن ولید کتاب فهرستی از طرق و کتاب‌های اصحاب ائمه داشته است؛ چنان‌که نجاشی ضمن شرح حال یکی از راویان می‌نویسد:

او کتابی دارد که محمد بن حسن بن ولید در فهرست خود آن را ذکر کرده است.^۷

احتمال دارد نجاشی این فهرست را در اختیار داشته است و ضمن شرح حال راویان و اعلام طرق خود، به آن توجه داشته و گاهی از روی آن، آراء ابن ولید را نقل می‌کند. احتمال دوم آن است که برخی اطلاعات نقل شده از ابن ولید، بر اساس کتاب‌های فهرستی و رجالی

۱. الامالی (مفید)، ص ۱-۱۲.

۲. همان، ص ۴۴، ۵۱.

۳. المزار، ص ۱۸، ۳۷، ۵۴...

۴. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۸، ۱۴، ۷، ۶، ۲۰...

۵. الامالی (طوسی)، ص ۵۴، ۶۰، ۷۳، ۱۰۲...

۶. رجال النجاشی، ص ۳۸۳؛ فهرست الطوسی، ص ۲۳۷.

۷. رجال النجاشی، ص ۳۲.

شاگردان ابن ولید مانند شیخ صدوق باشد؛ به خصوص که شیخ طوسی از کتاب فهرست شیخ صدوق، داوری رجالی ابن ولید درباره کتاب را نقل قول کرده و احتمالاً کتاب فهرست صدوق را در اختیار داشته است.^۱ بر اساس احتمال دوم، نجاشی، واسطه نقل قول خود، یعنی شیخ صدوق، را حذف کرده و سخن ابن ولید در کتاب الفهرست او را با واسطه و روایت شیخ صدوق بازگویی کند.

از سوی دیگر، نجاشی و شیخ طوسی، در شمار کتاب‌های متعدد شیخ صدوق، چندین کتاب رجالی نیز ذکر کردند.^۲ از این رو، می‌توان گفت بسیاری از آرا و اسناد و طرق ابن ولید در کتاب‌های رجالی شیخ صدوق موجود بوده که به دست نجاشی و شیخ طوسی رسیده است.

۴. داده‌های رجالی نجاشی و شیخ طوسی از ابن ولید

داده‌های رجالی که نجاشی و شیخ طوسی از ابن ولید ذکر می‌کنند، به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

۴-۱. اسناد، طرق و راه‌های دستیابی به کتاب‌های اصحاب ائمه

ابن ولید به چند جهت توانسته یکی از مهم‌ترین مهره‌های انتقال کتاب‌های اصحاب ائمه به مجامع حدیث امامیه باشد. او در بهترین «مکان» و «زمان» ممکن برای تبادل حدیث شیعه قرار داشته است؛ زیرا در قرون سوم و چهارم برخی محدثان کوفه به شهر قم کوچ کردند و به نقل و انتشار احادیث اصحاب کوفی پرداختند؛ مانند ابراهیم بن هاشم کوفی که به قم رفت.^۳ از سوی دیگر، در این قرون هنوز بغداد رونقی برای حدیث شیعه نگرفته و خراسان محدثان اندکی، مانند عیاشی و شاگردانش را دارد. قم در این عصر طلایی‌ترین دوران حدیث شیعه را می‌گذراند. بزرگانی همچون خاندان اشعری، خاندان برقی، حمیری، صفار، سعد بن عبدالله، پس از آن خاندان ابن بابویه و خاندان ابن قولویه در قم بر ابهت و رواج مکتب قم افزودند. شاید به سبب همین اهمیت شهر قم، ابن ولید به قم کوچ کرده و ساکن آن جا شده است. الرجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی دو آینه بازتاب‌دهنده از میزان و چگونگی انتقال طرق کتب مصنفات نخستین از سمت ابن ولید هستند.

۱. فهرست الطوسی، ص ۱۳۰.

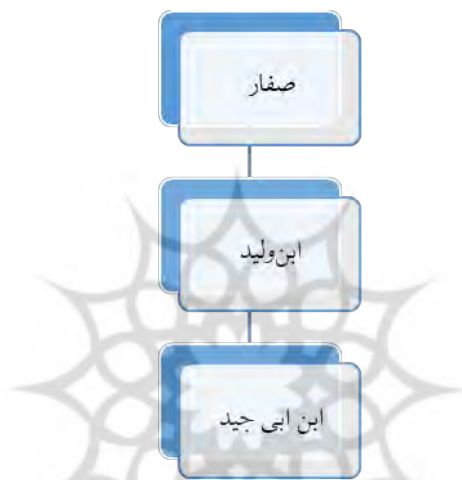
۲. رجال النجاشی، ص ۳۸۹-۳۹۲؛ فهرست الطوسی، ۲۳۸.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۶.

۴-۱-۱. نجاشی

نجاشی حدود ۸۵ طریق و کتاب را از ابن ولید اخذ کرده است. نکته جالب توجه آن است که نود درصد این طرق را نجاشی از ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن طاهر اشعری از ابن ولید نقل می‌کند.^۱ نجاشی در موارد اندکی، ابوالحسین علی بن احمد را ابن ابی جید خوانده است^۲ و می‌گوید:

من اجازه نامه ابن ولید برای همه کتاب‌ها و احادیثش به ابوالحسین علی بن احمد را دیدم.^۳



با این همه درباره این استاد تأثیرگذار قمی و از خاندان اشعری قم، اطلاعاتی در دست نیست و باید او را مجهول ارزیابی کرد. تنها شیخ طوسی ضمن شرح حال احمد بن محمد بن یحیی عطار قمی آورده که ابن ابی جید در سال ۳۵۶ق، از وی سماع داشته است.^۴ بیش از نیمی از ۸۵ طریق از الگوی ثابتی پیروی می‌کند و ابن ولید آن‌ها را از محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ق) روایت کرده است.^۵ بقیه طرق را به میزان بسیار کمتر ابن ولید از سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۳۰۱ق)^۶ و عبدالله بن جعفر حمیری قمی (ز ۲۹۵ق)^۷ و گاه محمد

۱. همان، ص ۱۰۴، ۱۷۹، ۲۵۴، ...

۲. همان، ص ۵۴، ۸۱، ۱۲۲، ...

۳. همان، ص ۳۸۳.

۴. رجال الطوسی، ص ۴۱۱.

۵. برای نمونه رک: رجال النجاشی، ص ۲۲، ۲۵، ۲۷، ...

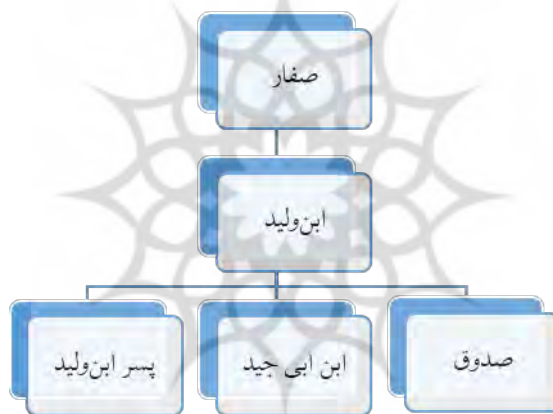
۶. همان، ص ۲۵۶.

۷. همان، ص ۵۴، ۷۲.

بن ابی القاسم ماجیلویه قمی، داماد برقی (م ۲۷۴ق)^۱ شنیده است.

۴-۱-۲. شیخ طوسی

شیخ طوسی بسیار بیشتر از نجاشی، اسناد و طرق ابن ولید را استفاده کرده است. او نزدیک به سه برابر نجاشی و بالغ بر دو بیست طریق را با کمک اطلاعات کتاب شناسی ابن ولید معرفی کرده است. مشاهده یکایک این طرق در الفهرست به ما نشان داد شیخ طوسی از سه استاد، طرق ابن ولید را دریافت کرده است. این مشاهده با اعلام قبلی شیخ طوسی هنگام معرفی ابن ولید هم ساز است؛ زیرا شیخ گفته که روایات و کتاب های ابن ولید را ابن ابی جید به او خبر داده است و نیز جماعتی از پسر ابن ولید از ابن ولید و نیز جماعتی از شیخ صدوق از ابن ولید برای او نقل کردند.^۲



الف. شیخ طوسی بیش از همه، بدون واسطه و مستقیم، از «ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن ابی جید قمی»، از ابن ولید نقل کرده است. ابن ابی جید همان استاد نجاشی است و معمولاً نجاشی با نام اختصاری علی بن احمد یا ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن طاهر اشعری از او یاد کرده است. شیخ طوسی نزدیک به هشتاد درصد طرق ابن ولید (یعنی ۱۶۰ طریق در مقابل ۷۵ طریق نجاشی) را از ابن ابی جید نقل کرده است. اشاره شد که درباره ابن ابی جید اطلاعاتی در دست نیست، جز آن که او استاد شیخ طوسی بوده

۱. همان، ص ۸.

۲. فهرست الطوسی، ص ۲۳۷.

و در دو کتاب رجالی خود، وی را راوی همه کتاب‌های ابن ولید دانسته است.^۱ شیخ و نجاشی، هیچ یک، برای این استاد تأثیرگذار خود شرح حال جداگانه یا مستقلمی نیاوردند؛ شاید بدین سبب که وی صاحب کتاب نبوده تا در شمار نویسندگان امامی ذکر شود. تنها می‌توان گفت احتمالاً ابن بی‌جید تا سال ۴۰۸ که شیخ وارد بغداد شده، زنده بوده است.

ب. پس از ابن بی‌جید، با درصد بسیار کمتری، شیخ طوسی روایات و طرق ابن ولید را از شاگرد برجسته و مشهور وی، شیخ صدوق، اخذ کرده است. حدود چهل طریق از این راه منتقل شدند. اشاره شد که چون شیخ طوسی از کتاب فهرست شیخ صدوق، چندین بار قضاوت‌های رجالی ابن ولید را نقل قول کرده،^۲ به احتمال زیاد، او کتاب فهرست صدوق را در اختیار داشته است. در هر صورت، شیخ صدوق استاد مستقیم شیخ طوسی نبوده است. نجاشی فقط دو بار از صدوق از ابن ولید نقل کرده است.

ج. پسر ابن ولید استاد با واسطه دیگر شیخ طوسی است که شیخ، کتاب‌های کمتری از ابن ولید را به واسطه پسرش دریافت کرده است. معمولاً اساتید بغدادی مانند شیخ مفید واسطه نقل پسر ابن ولید برای شیخ طوسی هستند. نجاشی اصلاً از این طریق استفاده نکرده است.

درباره اساتید ابن ولید در فهرست شیخ طوسی، همان‌الگوی تکرار شونده الرجال نجاشی دیده می‌شود. از آن روی که بیشترین کتاب‌ها را ابن ولید از صفار نقل کرده و پس از وی، سعد بن عبدالله و حمیری که معمولاً اسم هر دو کنار هم در سند می‌آید، بیش از همه مورد استناد ابن ولید بوده است. حسن بن متیل قمی، احمد بن ادريس قمی، محمد بن یحیی و محمد بن ابوالقاسم ماجیلویه به ترتیب در رتبه‌های بعدی فراوانی نقل ابن ولید از آن‌ها هستند.

اساتید بعدی	بیشترین نقل از استاد و تعداد طرق	راویان بعد و تعداد طرق	بیشترین نقل راوی و تعداد طرق	جمع طرق	
سعد بن عبدالله (۱۱) / حمیری (۱۱) / (طریق ۱۱)	صفار ۴۵ طریق	صدوق / ابن قولویه (۳ طریق) / صدوق (۲ طریق)	ابن ابی‌جید / ابن ابی‌جید (۷۵ طریق)	۸۵ طریق	الرجال نجاشی
سعد بن عبدالله (۴۰ طریق) / حمیری (۴۰ طریق)	صفار ۱۲۵ طریق	صدوق (۴۰ طریق) / پسر ابن ولید (۱۵ طریق)	ابن ابی‌جید / ابن ابی‌جید (۱۶۰ طریق)	۲۱۵ طریق	الفهرست طوسی

۱. همان، ص ۲۳۷؛ رجال الطوسی، ص ۴۳۹.

۲. فهرست الطوسی، ص ۱۲۳، ۱۳۰.

۴-۳. ابن ابی جید و دیگر راویان ابن ولید

اشاره شد که درباره ابن ابی جید اطلاعاتی در دست نیست؛ اما جستجو در منابع رجالی به ما نشان می‌دهد راویان مشهور، توثیق شده و عالمی از ابن ولید طرق و مصنفات شیعه را نقل کرده‌اند که نقلیات آن‌ها از سوی نجاشی و شیخ طوسی چندان مورد استقبال قرار نگرفته است.

* «سلامه بن محمد ارزنی» (م ۳۳۹ق) دایی ابوالحسن محمد بن احمد بن داود قمی، فقیه برجسته امامیه در قرن چهارم، است. سلامه در کودکی همراه خواهرش، پس از ازدواج این زن با احمد بن داود قمی، به قم رفت. پس از درگذشت احمد بن داود قمی، سلامه فرزند خواهرش را به بغداد آورد تا به عالمی بزرگ تبدیل شود. سلامه بن محمد توثیق شده و از کسانی است که در قم شاگرد ابن ولید و دیگر بزرگان قمی هم طبقه وی بوده است.^۱ با این همه در کتاب‌های رجالی و حدیثی روایتی از سلامه از ابن ولید یافت نشد.

* «ابو احمد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی» (ز ۳۴۰ق) از شاگردان جلیل القدر و خاص عیاشی و کشی است^۲ که به گفته شیخ طوسی هزاران کتاب از کتاب‌های شیعه را به روش اجازه یا قرائت، روایت کرده است. از بررسی اساتید حیدر، چنین به نظر می‌رسد که وی مدتی در قم بوده؛ زیرا از محدثان بنام قمی روایت دارد.^۳ شیخ طوسی معتقد است حیدر همه مصنفات شیعه را از ابن ولید و چهار استاد سمرقندی و قمی روایت کرده است.^۴ با این همه، روایت یا طریق کتابی از حیدر بن محمد از ابن ولید در منابع حدیثی یا رجالی باقی نمانده است. نجاشی برای این محدث ماوراءالنهری و کتاب‌هایش، حتی شرح حال هم ندارد.

* «أبو محمد جعفر بن حسین بن علی بن شهریار مؤمن قمی» (م ۳۴۰ق)، ثقه و بزرگ طایفه امامیه در قم بوده که به شهر کوفه منتقل شده و در آن جا درگذشته است.^۵

تلعکبری (م ۳۸۵ق) ذکر کرده که ابن ولید را ملاقات کرده، اما اجازه‌نامه‌اش را به دست هم‌نشین ابن ولید، ابن شهریار، دریافت کرده است.^۶ باز هم روایات یا طریق کتابی به نقل

۱. رجال النجاشی، ص ۱۹۲.

۲. فهرست الطوسی، ص ۱۲۰؛ رجال الطوسی، ص ۴۲۱.

۳. فهرست الطوسی، ص ۱۲۰.

۴. رجال الطوسی، ص ۴۲۱.

۵. رجال النجاشی، ص ۱۲۳.

۶. رجال الطوسی، ص ۴۳۹.

تلعکبری از ابن شهریار یا تلعکبری از ابن ولید در منابع حدیث و رجال نیست. تنها در کتاب‌های سده‌های میانی و بعدتر، ابن طاووس (م ۶۶۴ق) - که به داشتن کتابخانه‌ای نفیس از نسخ کهن مشهور است - سندی ارائه می‌دهد که ضمن آن، تلعکبری از ابن ولید نقل مستقیم کرده است.^۱

علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) نیز به اصلی قدیمی به خط تلعکبری اشاره می‌کند که براساس آن، روایتی از تلعکبری از ابن ولید نقل می‌کند.^۲

به نظر می‌رسد نسخ و کتاب‌های تلعکبری در عصر نجاشی و شیخ طوسی مورد توجه محدثان و رجالیان قرار نگرفته و در نقل و بازگویی منابع اصلی و جوامع حدیث امامی رواج نیافته است. از این رو، به مرور دچار فراموشی یا عدم استنساخ قرار گرفته و تنها برخی نسخه‌های کهن آن تا قرن دوازدهم قمری باقی مانده است.

به طور خلاصه و جمع‌بندی شده می‌توان گفت این سه محدث و عالمی که در نیمه اول قرن چهارم یا ابتدای نیمه دوم قرن چهارم درگذشتند، نتوانستند نسخ و اجازه‌نامه‌های خود را به محدثان نوظهور قرن پنجم، مانند شیخ طوسی و نجاشی برسانند. احتمالاً با ورود محدثی قمی، مانند ابن ابی جید به بغداد - که بی‌واسطه از ابن ولید حدیث داشته است - نجاشی و شیخ طوسی ترجیح دادند به سبب کم شدن واسطه‌ها و علّوسند، کتاب‌ها و احادیث ابن ولید را از این محدث نقل کنند.

یافته‌های ما نشان داد که ورود و رواج نقل ابن ابی جید در بغداد مربوط به بعد از سال ۴۱۳ق، است که شیخ مفید درگذشته است؛ زیرا هیچ نقلی از ابن ابی جید در کتاب‌های شیخ مفید نیافتیم.

۴-۱-۴. مقایسه دو کتاب

الگوی نسبتاً ثابت و تکرار شونده دورجالی، شیخ طوسی و نجاشی، برای نقل طرق و نقلیات ابن ولید از آن جایی سرچشمه می‌گیرد که هر دو رجالی، بیش از همه، از یک استاد و یک مجرای واحد دریافت اطلاعات داشتند که همان ابن ابی جید قمی است. نکته قابل توجه دیگر دست به دست شدن این طرق و کتاب‌ها در چهار نسل اساتید شهر قم است.

برقی (م ۲۷۴ق) و ابراهیم بن هاشم در نیمه سده سوم هجری از کوفه احادیث و طرق

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۴۶.

اصول اصحاب ائمه را به قم منتقل کردند. پس از آن نویسندگان اولین کتاب‌های تک‌نگاری امامیه، مانند علی بن ابراهیم، صفار (م ۲۹۰ق)، حمیری (ز ۲۹۵ق) و سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ق) آن‌ها را دسته‌بندی و به کتاب‌های موضوعی خود منتقل کردند که برخی کتاب‌هایشان باقی مانده است. محدثانی از طبقه ابن‌ولید (م ۳۴۳ق) و ابن‌بابویه (م ۳۲۹ق)، پدر شیخ صدوق، با تسلط بر علم فقه، به پردازش و داوری درباره این کتاب‌ها و احادیث پرداختند و برخی را رد کرده یا جرح و تعدیل کردند.

پس از این دوره، شاگردان قمی ابن‌ولید، مانند شیخ صدوق و پسر ابن‌ولید و از همه رایج‌تر ابن‌ابی‌جید، طرق و قضاوت‌های اساتید با نفوذ قم و ری را به عراق و بغداد منتقل کردند که اساتید بغداد مانند ابن‌نوح، ابن‌غضایری و نجاشی گاه با آرای رجالی یا حتی فقهی قمی‌ها همراه شده و تأیید کردند و در مقابل برخی اساتید بغداد مانند شیخ مفید و شیخ طوسی این اعتقادات را پالایش و تصفیه کردند؛ برای نمونه در مسأله رؤیت هلال ماه رمضان و عددی بودن آن و نیز در مسأله وجوب تعفیر، فقهای قمی مانند ابن‌ولید، ابن‌قولویه و صدوق و فقهای بغدادی مانند شیخ مفید و شیخ طوسی اختلافات جدی دارند.^۱

۴-۲. دوم. نقل داوری‌های رجالی

به نظر می‌رسد خدمت ابن‌ولید به محدثان امامی، بیشتر از کتاب‌شناسی و معرفی طرق اصحاب ائمه، داوری و قضاوت رجالی درباره آن‌ها و احادیث‌شان است. گرچه از داوری و قضاوت‌های توثیق و تضعیف ابن‌ولید داده‌های اندکی باقی مانده است؛ زیرا کتاب‌های رجالی او ناپدید شدند. بررسی‌های نگارنده نشان داد نجاشی از اطلاعات رجالی ابن‌ولید در یک چهارم پایانی کتابش، یعنی حرف قاف به بعد، استفاده کرده است.^۲ احتمال دارد نجاشی هنگام نگارش راویان حروف ابتدایی، کتاب رجالی ابن‌ولید یا منبع وی از ابن‌ولید را در اختیار نداشته است یا در ابتدا قصد نداشته از ارزیابی‌های ابن‌ولید بهره‌بردار و رفته رفته دیدگاه خود را تغییر داده است. برخلاف نجاشی، شیخ طوسی از ارزیابی‌های ابن‌ولید در همه جای کتابش بهره‌برده است.^۳

این داوری‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. برای تفصیل بیشتر رک: «ابن‌قولویه: محدثی در گذر از نص به اجتهاد»، ص ۹۹.

۲. رک: رجال النجاشی، ص ۳۱۶، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۴ ...

۳. فهرست الطوسی، ص ۱۱۳، ۱۳۰ ...

الف. تضعیف‌هایی که از ابن ولید نقل شده است؛

ب. توثیق برخی راویان که ابن ولید در آن دست داشته است؛

ج. ارزیابی‌هایی که درباره کتاب‌شناسی است.

۴-۲-۱. تضعیف

به نظر می‌رسد عمده داوری‌های رجالی ابن ولید به تضعیف و جرح راویان و نوع نقل آن‌ها مربوط است. شاید از همین رو او به رجالی سخت‌گیر مشهور شده است. نجاشی و شیخ طوسی در برابر این تضعیف‌ها سه واکنش انتخاب کردند: «تأیید»، «ردّ» و «سکوت».

۴-۲-۱-۱. تأیید

نجاشی موارد اندکی از تضعیفات ابن ولید را به صراحت یا به طور ضمنی تأیید می‌کند. * «ابومحمد قاسم بن حسن بن علی بن یقظین قمی» از راویانی است که همه رجالیان امامی بر تضعیف او اتفاق دارند. نجاشی گزارش کرده که ابن ولید وی را ضعیف دانسته است.^۱ کشتی روایاتی درباره قاسم بن محمد نقل می‌کند که همگی دلالت بر ادعای نمایندگی امام و سپس نبوت دارند. در حقیقت، او و هم‌فکرانش دین جدیدی آورده و نماز و زکات را با توجیه برخی آیات قرآن لازم ندانسته و به تأویل برده بودند.^۲ ابن غضایری از قول محدثان قمی نقل می‌کند که قاسم بن محمد در مذهبش ارتفاع و غلو دارد و قضاوت خود را با مشاهده احادیث وی چنین بیان می‌کند:

برخی از احادیث او را می‌پذیریم و برخی را انکار می‌کنیم.^۳

شیخ طوسی نیز از این راوی منسوب به یقظین وزیر، در الفهرست یاد می‌کند؛ اما در زمره اصحاب امام هادی علیه السلام وی را متهم به غلومی داند.^۴ * ابن ولید، روایات «محمد بن احمد بن یحیی اشعری» از ۲۴ راوی را به سبب نقل از ضعف استثناء کرده است که نجاشی پس از نام بردن یکایک این استثنائات، با نقل دیدگاه استادش ابن نوح را آن را تأیید می‌کند:

۱. رجال النجاشی، ص ۳۱۶.

۲. رجال الکشی، ج ۲، ص ۸۰۲-۸۰۴.

۳. رجال ابن الغضائری، ص ۸۶.

۴. رجال الطوسی، ص ۳۹۰.

قال أبو العباس بن نوح: وقد أصاب شيخنا أبو جعفر محمد بن الحسن بن الوليد في ذلك كله.^۱

شیخ طوسی نیز در شرح حال محمد بن احمد بن یحیی اشعری، این ۲۴ راوی و استثنا شدن روایات از آن‌ها را نام می‌برد؛ با این تفاوت که نامی از ابن ولید نیست و آن را فقط از شیخ صدوق نقل می‌کند: «وقال أبو جعفر بن بابويه»^۲. واکنش شیخ طوسی در برابر این استثنائات سکوت است.

□ در جایی دیگر نجاشی پس از وصف «ابو جعفر محمد بن جعفر بن احمد بن بطة قمی» به تساهل در احادیث، تعلیق اسانید و راهیابی غلط فراوان در فهرست او، اوصاف خود را به سخنی از ابن ولید مستند می‌کند:

وقال ابن الوليد: كان محمد بن جعفر بن بطة ضعيفاً مخلطاً فيما يسنده.^۳

شیخ طوسی با وجود نقل فراوان از طرق ابن بطه در کتابش، شرح حالی برای وی نیاورده است.

۴-۲-۱-۲. ردّ

به سبب شهرت ابن ولید به سخت‌گیری و دقت زیاد - که خاصیت مکتب حدیث قم است - رجال شناسان بعد از او برخی داوری‌های وی را نپذیرفتند که بیش از همه نجاشی این واکنش منفی را پیشه کرده است.

* شیوخ قمی «محمد بن اورمه قمی» را متهم به غلو کردند. ابن ولید نیز ضمن تکرار اتهام غلو محمد بن اورمه، دستور می‌دهد:

روایات محمد بن اورمه را - که در کتب حسین بن سعید اهوازی آمده - نقل کن، اما به تفردات ابن اورمه اعتماد نکن.

نجاشی پس از نقل این داوری از سمت برخی اصحاب شیعه گزارش می‌کند که درباره برائت محمد بن اورمه، نامه‌هایی از ابوالحسن ثالث عليه السلام به مردم قم صادر شده است.^۴ باز هم

۱. رجال النجاشی، ص ۳۴۸.

۲. فهرست الطوسی، ص ۲۲۲.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۳.

۴. همان، ص ۳۲۹.

شیخ طوسی در شرح حال محمد بن اورمه، داوری ابن ولید را بدون ذکر نام ابن ولید و به نقل از شیخ صدوق ذکر می‌کند: «قال أبو جعفر ابن بابویه»^۱.

ابن غضائری پس از بازگویی اتهام غلوبه محمد بن اورمه از سوی محدثان قمی، می‌افزاید:

حدیث او پاک است و فسادی در آن نیست و من در آن چه به او نسبت می‌دهند، چیزی ندیدم که باعث اضطراب نفس شود، مگر ورقه‌هایی از تفسیر باطن که شایسته احادیث محمد بن اورمه نیست و به گمان من، بر او بر بستند. من نامه‌ای از امام هادی علیه السلام به مردم قم دیدم که درباره پاک بودن وی از آن چه بدان تهمت زده می‌شود و حسن عقیده و جایگاه بالای محمد بن اورمه بود.^۲

شیخ طوسی بدون تأیید یا رد، دیدگاه شیخ صدوق را نقل کرده است.

* ابن ولید روایاتی را که «أبو جعفر محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین» در نقل از یونس بن عبدالرحمن تفرد دارد، غیر قابل اعتماد ارزیابی می‌کند. نجاشی پس از گزارش این تضعیف، آن را با این عبارت نمی‌پذیرد:

أصحابنا ينكرون هذا القول.^۳

شیخ طوسی این داوری را به نقل از شیخ صدوق از ابن ولید گزارش می‌کند و برای تأیید یا رد آن واکنشی ندارد.^۴ شیخ طوسی جای دیگر، هنگام معرفی «محمد بن عیسی بن عبید یقظینی» نه تنها او را ثقه نمی‌داند، بلکه وی را ضعیف ارزیابی می‌کند؛ زیرا شیخ صدوق، بدون اشاره به ابن ولید، او را از رجال کتاب نوادر الحکمه محمد بن احمد بن یحیی استثنا می‌کند و می‌گوید:

روایات مختص او را روایت نمی‌کنم.^۵

شیخ طوسی استثنا کردن روایات محمد بن عیسی از کتاب محمد بن احمد بن یحیی و نیز یونس بن عبدالرحمن، هر دو را، گزارش کرده است.

* محدثان قمی «أبو جعفر محمد بن موسی بن عیسی همدانی سمان» را به سبب غلو

۱. فهرست الطوسی، ص ۲۲۰.

۲. رجال ابن الغضائری، ص ۹۳.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۳۳.

۴. فهرست الطوسی، ص ۲۶۶.

۵. فهرست الطوسی، ص ۲۱۶.

تضعیف کردند و از آن بدتر، ابن ولید معتقد است او حدیث جعل می‌کند. نجاشی بعد از گزارش دیدگاه ابن ولید می‌آورد: «والله أعلم».^۱

نوع برخورد نجاشی نشان می‌دهد که به سخن و داوری ابن ولید درباره وضع حدیث همدانی، شک دارد و کامل آن را نپذیرفته است. ابن ولید چندین بار دیگر محمد بن موسی همدانی را متهم به جعل و دست بردن در روایات کرده است و در بسیاری موارد روایات اساتید ثقه قمی از این راوی را استثنا کرده است.^۲ ابن غضائری ضعیف بودن محمد بن موسی همدانی را می‌پذیرد، اما معتقد است که می‌توان روایات او را به عنوان شاهد استخراج کرد و از نظر او محدثان قمی درباره او زیاده‌روی کرده‌اند.^۳ از سوی دیگر، شیخ طوسی اصلاً نامی از این راوی متهم به کذب نمی‌آورد. شاید ضعف محمد بن موسی همدانی برای او آشکارتر از آن بوده که وی را یاد کند.

۴-۲-۱-۳. سکوت

برخی داوری‌های رجالی ابن ولید با سکوت و بدون واکنش منفی یا تأیید همراه شدند که بیشتر شیخ طوسی چنین رویکردی دارد.

* ابن ولید کتاب «خالد بن عبدالله بن سدیر» را روایت نمی‌کند؛ از آن روی که معتقد است محمد بن موسی همدانی آن را جعل کرده است.^۴ آیا شیخ طوسی این داوری را پذیرفته یا رد کرده؟ مشخص نیست و تنها آن را گزارش می‌کند.

نجاشی نامی مشابه برای این راوی می‌آورد: «خالد بن سدیر بن حکیم بن صهیب صیرفی»^۵ و دیگر هیچ اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد. کاملاً مشخص است که رجال النجاشی درباره شرح حال این راوی افتادگی دارد و به عمد یا غیر عمد، هرآنچه نجاشی گفته، پاک شده است. بسیاری از رجالیون این دورا یکی دانستند.^۶

* به صورت مشابه مورد قبل، شیخ طوسی دو راوی پشت سرهم با نام‌های «زید نرسی» و

۱. رجال النجاشی، ص ۳۳۸.

۲. برای نمونه رک: رجال النجاشی، ص ۳۴۸؛ فهرست الطوسی، ص ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۶.

۳. رجال ابن الغضائری، ص ۹۵.

۴. فهرست الطوسی، ص ۱۲۳، ۱۳۰.

۵. رجال النجاشی، ص ۱۵۰.

۶. رک: الرجال (ابن داود)، ص ۸۷؛ نقد الرجال، ج ۲، ص ۱۸۵؛ جامع الرواه، ج ۱، ص ۲۹۱؛ اکیلی المنهج فی تحقیق

المطلب، ص ۲۳۶.

«زید زراد» را نام می‌برد که دو اصل داشتند و شیخ صدوق در فهرستش از قول ابن ولید نقل می‌کند که آن دو اصل را روایت نخواهد کرد؛ زیرا محمد بن موسی همدانی آن‌ها را جعل کرده است.^۱ شیخ واکنشی نسبت به پذیرفتن داوری یا رد آن ندارد، اما نجاشی دو اصل زید نرسی و زید زراد را بدون نقل قول ابن ولید یا تضعیف با ارائه دو طریق - که به ابن ابی عمیر می‌رسد - ذکر می‌کند.^۲ ابن غضائری به این دو راوی و کتاب آن‌ها اشاره می‌کند و بعد از نقل نسبت جعلی بودن آن‌ها، به وضوح با آن مخالفت می‌کند و آن ارزیابی را نادرست می‌خواند:

و غلط أبو جعفر فی هذا القول، فإنی رأیت کتبهما مسموۃ عن محمد بن أبی عمیر.^۳

۴-۲-۲. توثیق

نجاشی پس از توثیق مؤکد «محمد بن اسماعیل بن بزیع»، روایتی از ابن ولید نقل می‌کند که امام رضا علیه السلام به ابن بزیع دستور می‌دهد او از مؤمنین دفع کننده ظلم ظالمان باشد.^۴ تنها تعدیلی که نجاشی و شیخ طوسی از توثیقات ابن ولید ذکر کردند، در همین مورد خلاصه می‌شود. شاید از آن روی که توثیق راویان اهل بیت علیهم السلام از سمت همه رجال شناسان پیشین انجام می‌شده و امری متداول و رایج بوده، اما تضعیف و اتهام به غلو و جعل، و دست چین کردن برخی راویان و روایات آن‌ها - که ابن ولید انجام داده - در علم رجال و حدیث تازگی داشته است. براین اساس، داوری‌های نقادانه و گزینشی ابن ولید، برجسته شده و نجاشی و طوسی برخی از تضعیفات وی را - که دیگران کمتر تکرار کردند - یادآور شدند.

۴-۲-۳. کتاب شناسی

* ابن ولید همه کتاب‌های «محمد بن حسن صفار» را روایت کرده و در طریق نقل آن‌ها قرار دارد؛ به جز کتاب بصائر الدرجات او را که گفته است:

من آن را از صفار نقل نمی‌کنم.

شیخ طوسی و نجاشی هر دو به این نکته اشاره دارند؛^۵ با این همه به نظر نمی‌رسد که به نقل نکردن ابن ولید اعتنایی کرده باشند؛ چون هر دو، طریق دیگری برای کتاب بصائر

۱. فهرست الطوسی، ص ۱۳۰.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۷۴.

۳. رجال ابن الغضائری، ص ۶۲.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۳۱.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۵۴؛ فهرست الطوسی، ص ۲۲۱.

الدرجات به صورت خاص ارائه می دهند.

* یکی از سرشناس ترین محدثان سده چهارم قم، «سعد بن عبدالله اشعری قمی» است^۱ که بعد از او بیشتر محدثان پسین قم و بغداد کوشیدند اسناد خود را بدو برسانند تا اعتبار بیشتری داشته باشد. یکی از کتاب های سعد بن عبدالله، «المنتخبات» نام دارد که رجالیان گفته اند حجم آن هزار ورق بوده است.^۲

شیخ صدوق پس از آن که همه کتاب های سعد بن عبدالله را روایت می کند، می افزاید:

من همه کتاب های سعد را از ابن ولید نقل می کنم، مگر کتاب المنتخب که از او روایت نمی کنم، بجز چند جزء کتاب را که بر ابن ولید قرائت کردم. من به احادیثی از کتاب سعد که محمد بن موسی همدانی نقل کرده است، آگاه هستم و کتاب المنتخب را از طریق راویان ثقه ای که می شناسم، نقل کردم.^۳

به نظر می رسد نجاشی از وسواس و دوری ابن ولید از روایات محمد بن موسی همدانی در کتاب المنتخب خبر داشته است و از این رو کوشیده از طریق ابن ولید و شیخ صدوق دوری کند. او بعد از نام بردن این کتاب، تصریح می کند که به صورت خاص آن را از طریقی دیگر به دست آورده است:

رواه عنه حمزة بن القاسم خاصة.^۴

چگونگی نقل کتاب المنتخب سعد برای رجال شناسان دیگر هم دغدغه بوده است؛ غضایری (م ۴۱۱ق) این کتاب را نزد استادش ابن قولویه (م ۳۶۸ق) برده تا بروی قرائت کند و از او پرسیده:

آیا سعد برای تو این کتاب را حدیث گفت؟

ابن قولویه در پاسخ غضایری، شنیدن از سعد را انکار و اعلام می کند پدر و بردارش واسطه او و سعد بن عبدالله هستند و تنها دو حدیث را خود مستقیم از سعد سماع کرده است.^۵

□ «حسن بن علی بن فضال» (م ۲۲۴ق) از بزرگ ترین و تأثیرگذارترین محدثان کوفی است.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۷۷؛ فهرست الطوسی، ص ۱۳۵.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۷۸؛ فهرست الطوسی، همان.

۳. فهرست الطوسی، ص ۱۳۶.

۴. رجال النجاشی، ص ۱۷۸.

۵. همان جا.

شیخ طوسی هنگام برشمردن کتاب‌های ابن فضال، یکی از کتاب‌های او را به صورت خاص از ابن ولید نقل می‌کند:

ذکر محمد بن الحسن بن الولید کتاب البشارات.^۱

نجاشی نیز از کتاب البشارات حسن بن علی بن فضال یاد می‌کند و بدون توجهی خاص به این کتاب، برای سه کتاب دیگر ابن فضال طریقی را ارائه می‌دهد.^۲ ابوغالب زراری (م ۳۶۸ق) کتاب البشارات ابن فضال را از طریق دایی پدرش دریافت کرده است.^۳ با توجه به این اطلاعات، دقیقاً برای ما روشن نشد که از چه روی ذکر کتاب البشارات ابن فضال در فهرست ابن ولید قابل توجه بوده که شیخ طوسی آن را جداگانه یادآوری کرده است. احتمال دارد برای این کتاب خاص سند و طریق مشهوری وجود نداشته و محل تردید بوده و شیخ با یادآوری طریق ابن ولید خواسته بر اعتبار آن بیفزاید؛ چون نجاشی به این کتاب ابن فضال طریقی ارائه نمی‌دهد. از سوی دیگر، برخی کتب منسوب به خاندان فضال در قرن چهارم و پنجم رایج بوده که رجال‌شناسان از طرق مشکوک برای آن‌ها یا شک نسخه‌شناسان خبر دادند.^۴

* «حسین بن سعید اهوازی» (ز ۲۵۴ق) یکی از پرکارترین نویسندگان امامی است که کتاب‌هایش را تا سی کتاب شمردند و از این جهت مورد توجه محدثان قرار گرفته است.^۵ و در برخی موارد، پرشمار بودن کتب اصحاب ائمه را بدو مثال زدند.^۶

شیخ طوسی از ابن ولید نقل می‌کند که طریق این کتاب‌ها را به دستخط حسین بن سعید از کسی که میزبان وی در شهر قم بوده، دریافت کرده است:

قال ابن الولید: وأخرجها إلینا الحسين بن الحسن بن ابان بخط الحسين ابن سعید، و ذکرانه کان ضیف أبيه.^۷

نجاشی همانند عبارت ابن ولید را از ابن بطه (ز ۳۲۰ق) نقل می‌کند:

۱. فهرست الطوسی، ص ۹۸.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۵.

۳. تاریخ آل زراره، ص ۲۲۷.

۴. برای نمونه رک: رجال النجاشی، ص ۲۵۸.

۵. رجال النجاشی، ص ۵۹؛ فهرست الطوسی، ص ۱۱۲.

۶. رجال النجاشی، ص ۲۵۳.

۷. فهرست الطوسی، ص ۱۱۳.

ابن بطة عن الحسين بن الحسن بن أبان، وأنه أخرج إليهم بخط الحسين بن سعيد، و أنه كان ضيف أبيه.^۱

دقیقاً نمی‌توان روشن کرد که این سخن حسین بن حسن بن ابان خطاب به ابن ولید صادر شده است یا ابن بطة؟ شاید در مجلسی که هر دو حاضر بودند، به دستخط حسین بن سعید و مهمان بودن وی اشاره شده است؛ زیرا شیخ طوسی چندین بار تأکید می‌کند که کتاب‌های حسین بن سعید را به نقل ابن ولید در اختیار دارد.^۲ احتمال دیگر، آن است ابن بطة - که مشهور به تعلیق و انداختن ابتدای اسناد است^۳ - این سخن را از ابن ولید آموخته و نام وی را، به سبب هم طبقه بودن، در اجازه‌نامه‌اش حذف کرده است. در هر صورت، با توجه به دلالت جمله ابن ولید - که نوع طریق تحمل را مشخص می‌کند (أخرجها إلینا) - در مقابل طریق معنعن و مبهم ابن بطة، احتمال صاحب سخن بودن ابن ولید بالاتر است. افزون بر آن، نجاشی هفت طریق مختلف برای دسترسی به کتاب‌های حسین بن سعید اهوازی ارائه کرده است که یکی از آن‌ها از ابن ولید می‌گذرد.^۴ از این رو، کفه ترازو به نفع ابن ولید سنگینی می‌کند.

نتایج

ابن ولید مشهور به شیخ و بزرگ قمی‌ها، به واسطه نقل شاگردانش از او در حدیث و رجال امامیه تأثیرگذار بوده است. شیخ صدوق بزرگ‌ترین و مشهورترین شاگرد ابن ولید و منتقل‌کننده افکار و آرای فقهی و حدیثی اوست. با این همه به سبب آن که کتاب‌های رجالی ابن ولید و شیخ صدوق مفقود شده‌اند، به ناچار با بررسی کتب رجال باقی مانده، از داوری‌ها و داده‌های رجالی ابن ولید مطلع می‌شویم.

شیخ طوسی که قبل از نجاشی کتاب الفهرست را نوشته، خیلی بیشتر از ابن ولید و طرقتش یاد می‌کند. به نظر می‌رسد او فهرست شیخ صدوق را که براساس فهرست ابن ولید نوشته شده، در اختیار داشته است و پیاپی بدان مراجعه و نقل قول دارد. البته در بسیاری از موارد، ممکن است از شیخ صدوق و ابن ولید نام نبرد و با تعبیر مبهم «قمیون» یا «قمین» به

۱. رجال النجاشی، ص ۵۹.

۲. فهرست الطوسی، ص ۱۱۳؛ رجال الطوسی، ص ۴۲۴.

۳. رجال النجاشی، ص ۳۷۳.

۴. رجال النجاشی، ص ۵۹ و ۶۰.

آن دو اشاره کند؛ چنان که در مواردی پس از این تعبیر، از محمد بن حسن بن ولید در طریق کتاب نام می‌برد و مشخص می‌شود مراد او از قمیون، دیدگاه‌های رجالی ابن ولید است. مشابه این پدیده در رجال النجاشی نیز رخ داده است.^۱ از این رو، می‌توان گفت مواردی که در این پژوهش از داده‌های رجالی ابن ولید ارائه شد، همه دیدگاه‌ها و اطلاعات کتب رجالی او را منعکس نمی‌کند، بلکه ما با بخش ناپیدای کوه یخی روبه‌رو هستیم که تأثیر خود را در اسناد کتب اصحاب ائمه یا توثیق و تضعیف آن‌ها به صورت نامحسوس باقی گذاشته است.

با این همه، به نظر می‌رسد که میان دو رجالی شیعه، نجاشی به سبب بهره‌وری از اساتید رجالی خاص‌تر مانند ابن نوح سیرافی و ابن غضایری، برخی دیدگاه‌های سخت‌گیرانه مکتب حدیث و رجال قم مانند ابن ولید را نقادی و تعدیل کرده است. او برخی آرای رجالی ابن ولید را یا گزارش نمی‌کند یا بعد از گزارش، اشتباه و غلط آن را مشخص می‌کند. مقایسه جملات نجاشی با پاره‌های باقی‌مانده از کتاب الرجال ابن غضایری، نشان می‌دهد که نجاشی بسیار متأثر و مقلد دیدگاه‌های ابن غضایری است.

کتابنامه

- اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب، محمد جعفر بن محمد طاهر کرباسی خراسانی، تحقیق: جعفر حسینی اشکوری، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳ ش.
- الامالی، محمد بن حسن طوسی، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
- الامالی، محمد بن علی صدوق، تهران: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ق.
- الامالی، محمد بن محمد مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمفید، ۱۹۹۳ م.
- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت: داراحیاء التراث، چاپ سوم، ۱۹۸۳ م.
- تاریخ آل زراره، ابوغالب زراری، بی‌جا: مطبعه ربانی، ۱۳۹۹ ش.
- التوحید، محمد بن علی صدوق، تحقیق: سید هاشم حسینی تهرانی، قم: جماعه المدرسین حوزه علمیه، بی‌تا.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
- جامع الرواة، اردبیلی، بی‌جا، مکتبه المحمدیه، بی‌تا.

۱. همان، ص ۷۷، ۳۲۹، ۳۳۸، ۳۵۶، ۴۲۸.

- جمال الأسبوع، ابن طاووس، تحقیق جواد قیومی، بی جا: مؤسسه الآفاق، ۱۳۷۱ش.
- الخصال، محمد بن علی صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جماعه المدرسين حوزه علمیه، بی تا.
- الرجال، ابن داود حلی، تحقیق: محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: مطبعه الحیدریه، ۱۹۷۲م.
- الرجال، احمد بن حسین بن عبیدالله ابن غضایری، تحقیق: محمدرضا جلالی، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰ش.
- الرجال، کشی، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ق.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- الرجال، نجاشی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- کامل الزیارات، جعفر بن محمد ابن قولویه، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر فقاہت، ۱۴۱۷ق.
- المزار، محمد بن محمد مفید، تحقیق: سید محمد باقر ابطحی، بیروت: دارالمفید، ۱۹۹۳م.
- نقد الرجال، تفرشی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۸ق.
- «ابن ولید و مستثنیات وی»، محمد تقی شاکرو علیرضا حسینی، حدیث پژوهی، شماره نهم، ۱۳۹۲ش.
- «ابن قولویه: محدثی در گذر از نص به اجتهاد»، انسیه عسگری و اعظم فرجامی، حدیث پژوهی، مهر ۱۴۰۰ش، شماره ۲۶.
- «بررسی و مقایسه میزان تأثیرگذاری ابن بابویه و ابن ولید بر شیخ صدوق»، حسین ستار، و عاطفه خاتمی، حدیث پژوهی، شماره بیستم، ۱۳۹۷ش.